

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۲، صص ۵۷-۷۵

دستوری‌شدگی طبقه‌نمای «ne / done» در گونه تاتی^۱

مهرداد نغزگوی کهن^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

راحله ایزدی‌فر

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

چکیده

یکی از فرایندهای مهم تغییر زبانی، دستوری‌شدگی است. طی این فرایند، واحدهای واژگانی به تدریج نقش معنایی خود را از دست می‌دهند و از یک واحد قاموسی به واحد نقشی یا دستوری تبدیل می‌شوند و یا واحدهای دستوری، دستوری‌تر می‌شوند. طبقه‌نماها نشان‌دهنده سازمان‌دهی دانش سخنگویان یک زبان هستند و براساس جوانب فرهنگی مشترک بین سخنگویان آن زبان برای طبقه‌بندی مفاهیم به‌کار می‌روند. ساخته‌شدن طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی نمونه‌ای از دستوری‌شدگی است. بررسی طبقه‌نماهای عددی نشان می‌دهد که این کلمه‌ها حاصل دستوری‌شدگی یک اسم به طبقه‌نما هستند. این عناصر زبانی، ویژگی‌های کلمه‌های قاموسی را از دست داده‌اند و ویژگی‌های کلمه‌های نقشی را کسب کرده‌اند. این تحقیق به بررسی فرایند دستوری‌شدگی طبقه‌نمای عددی «done» یا «ne» در تاتی تاکستانی می‌پردازد. طبقه‌نمای عددی «done» در گونه تاکستانی زبان تاتی جایگزین سایر طبقه‌نماهای عددی در این گونه زبانی شده و در اثر کاربرد زیاد به صورت «ne» کاهش آوایی یافته است. براساس معیارهای مطرح‌شده در این مقاله می‌توان گفت که دستوری‌شدگی تا حد زیادی در مورد طبقه‌نمای عددی «ne» در گونه تاتی تاکستانی رخ داده است.

کلیدواژه‌ها: دستوری‌شدگی، طبقه‌نماهای عددی، زبان تاتی، گونه تاکستانی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۹

mnkohan@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۷

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

اصطلاح دستوری‌شدگی^۳ به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن عناصر زبانی (عناصر واژگانی، کاربردشناختی و حتی آوایی) به سازه‌های دستوری تبدیل می‌شوند و یا عناصر دستوری با گذشت زمان دستوری‌تر می‌شوند (هاپر^۴ و تراگو^۵، ۲۰۰۳: ۱). فرایند دستوری‌شدگی از دو دیدگاه در زمانی و هم‌زمانی بررسی می‌شود اما عموماً فرایندی در زمانی محسوب می‌شود. در دستوری‌شدگی خاستگاه کلیه امکانات دستوری واژگان در نظر گرفته می‌شود و طبقه‌نماها نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

طبقه‌نماها عناصری هستند که عموماً خصوصیات پدیده‌های پیرامون انسان‌ها در یک جامعه زبانی را نمایه^۶ می‌کنند. طبقه‌نماها معمولاً به صورت تکواژ آزاد در ساختار زبان‌ها ظاهر می‌شوند و دارای معنا هستند و خصوصیات اسمی که همراهش می‌آیند را نشان می‌دهند. بیشتر طبقه‌نماها در سایر محیط‌ها به عنوان اسم به کار می‌روند و در صورتی که به عنوان طبقه‌نما ظاهر شوند، دارای ویژگی‌های خاص عناصر دستوری هستند. با توجه به معیارهای خاصی می‌توان گفت که طبقه‌نماهای عددی در اکثر زبان‌ها دستوری شده‌اند. برای مثال طبقه‌نماهای عددی «حلقه» و «نفر» در «دو حلقه چاه» یا «دو نفر آدم» در زبان فارسی طبقه‌نمای عددی محسوب می‌شوند که دستوری نیز شده‌اند (استاجی، ۱۳۸۸: ۹۴).

در این مقاله به بررسی دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی می‌پردازیم. زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است که در مناطقی در شمال غربی ایران در استان‌های آذربایجان، قزوین، البرز و اردبیل به آن تکلم می‌شود (یارشاطر، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹). از میان گونه‌های مختلف زبان تاتی مورد تکلم در ایران، گونه تاکستانی زبان تاتی به علت دسترسی به گویشوران این گونه در پژوهش کنونی

3. grammaticalization or grammaticization

4. P. J. Hopper

5. E. C. Traugott

6. index

انتخاب شده‌است. به‌علت نبود داده‌های مکتوب از مرحله‌های پیشین زبان تاتی، دید تحقیق کنونی تنها هم‌زمانی است.

مواد زبانی مورد نیاز این مقاله به روش میدانی گردآوری شده است بدین صورت که جمله‌های مقاله به صورت مصاحبه از گویشوران تات‌زبان پرسیده و ثبت شده‌است. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است، بعد از مقدمه، در بخش دوم، فرایند دستوری‌شدگی به اختصار معرفی شده‌است. در بخش سوم، طبقه‌نماهای عددی و فرایند دستوری‌شدگی آنها بررسی شده‌است. در بخش چهارم، پس از معرفی کوتاهی از زبان تاتی، به بررسی فرایند دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونهٔ تاتی تاکستان پرداخته‌ایم. بخش پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- دستوری‌شدگی

دستوری‌شدگی به معنای فرایندی است که براساس آن، عبارات و عناصر واژگانی در بافت‌های زبانی خاصی برای اهداف دستوری به کار می‌روند و وقتی دستوری شدند، برای اهداف دستوری جدیدی نیز به کار می‌روند. بر این اساس برای مثال اسم‌ها و فعل‌ها در طول زمان به عناصر دستوری مثل نشانه‌های حالت، کلمات ربط، افعال کمکی و جز آن تغییر پیدا می‌کنند. عناصر زبانی با دستوری‌شدگی به تدریج از معنای قاموسی تهی می‌شوند و مقیدتر می‌گردند. زبان‌شناسان براساس شواهد موجود از زبان‌های مختلف برای فرایندهای دستوری‌شدگی، مراحل را در نظر گرفته‌اند و این مراحل را در نمودار مرحله‌ای نشان می‌دهند که وقوع مراحل مختلف فرایند دستوری‌شدگی به ترتیب براساس آن رخ می‌دهد (هاپر و تراگو، ۲۰۰۳: ۱۹-۳۰؛ ویشر^۷، ۲۰۰۶: ۱۳۰-۱۴۰؛ نیز رک. نغزگوی کهن، ۱۳۸۷: ۳-۲۴):

(۱) جزء واژگانی آزاد < کلمهٔ نقشی < واژه‌بست < وند تصریفی (< صفر)

دستوری‌شدگی جهت‌دار است. به عبارت دیگر هر چه از سمت راست به سمت چپ حرکت کنیم، عنصر مورد نظر دستوری‌تر می‌شود. هر صورت زبانی عموماً از یک

نقطه روی سمت راست این نمودار مرحله‌ای به نقطه‌ای در سمت چپ نمودار حرکت می‌کند و گرایش قوی به یک‌سویه‌بودن در تاریخ صورت‌های منفرد زبانی وجود دارد. کلمات نقشی در ساخت‌های دستوری تحلیلی به کار می‌روند، ولی با تبدیل کلمه نقشی به واژه‌بست یا وند تصریفی، ساخت‌های دستوری به صورت ترکیبی درمی‌آیند. ساخت‌های دستوری ترکیبی، دستوری‌تر از ساخت‌های تحلیلی هستند. بنابراین اصل کلی دستوری‌شدگی را می‌توان به صورت نمودار مرحله‌ای (۲) نشان داد:

(۲) صورت کمتر دستوری < صورت دستوری‌تر

دستوری‌شدگی از دو دیدگاه مطالعه شده است: رویکرد اصلی دستوری‌شدگی تاریخی است و به بررسی منابع صورت‌های دستوری و مراحل تغییرات می‌پردازد. در این دیدگاه، دستوری‌شدگی عموماً به معنای مجموعه‌ای از فرایندهای تغییر زبانی است که طی آن کلمات یا ساخت‌های زبانی در کاربردهای خاصی دارای خصوصیات دستوری می‌شوند یا یک مورد دستوری، دستوری‌تر می‌شود. دیدگاه دیگر، همزمانی‌تر است و دستوری‌شدگی را پدیده‌ای نحوی، کلامی یا کاربردشناختی می‌داند که از دیدگاه الگوهای سیال کاربرد زبانی بررسی می‌شود. در برخی زبان‌ها، داده‌های تاریخی برای تغییر بسامد^۸ و محیط کلامی صورت‌ها وجود ندارد و داده‌های مکتوبی از گذشته این زبان‌ها در دست نیست. مطالعه دستوری‌شدگی در این زبان‌ها صرفاً براساس مطالعه توزیع نحوی صورت‌های دستوری در کلام^۹ انجام می‌شود. در دیدگاه هم‌زمانی، واحدهای زبانی بر روی یک طیف مرتب می‌شوند که در یک سوی آن، ساختار واژگانی نامحدود و در یک سوی دیگرش، ساختار دستوری محدود قرار دارند و هر یک میزان خاصی از دستوری‌شدگی را نشان می‌دهند. لمان^{۱۰} (۱۹۸۵)؛ به نقل از ویشر، ۲۰۰۶: ۱۳۳) معیارهای جانشینی^{۱۱} همچون دامنه کاربرد^{۱۲} و معیارهای

8. frequency

9. discourse

10. C. Lehmann

11. syntagmatic

12. scope

هم‌نشینی^{۱۳} همچون یکپارچگی زیاد^{۱۴} را برای تعیین میزان دستوری‌شدگی مطرح کرده که هر یک مرتبط با روند خاصی از بعد در زمانی دستوری‌شدگی است. در میان زبان‌های ایرانی، نغزگوی کهن (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ الف و ب) به تفصیل به بررسی دستوری‌شدگی در زبان فارسی پرداخته است. در این بخش به معرفی فرایند دستوری‌شدگی در زبان پرداختیم. بخش ۳ به بررسی طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آن‌ها اختصاص دارد.

۳- طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آن‌ها

بخش نخست این بخش به معرفی طبقه‌نماهای عددی اختصاص دارد و در ادامه به بررسی فرایند دستوری‌شدگی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱- طبقه‌نماهای عددی

طبقه‌نماها کلمات مستقلی (معمولاً اسم) هستند که جایگاه خاصی در گروه اسمی دارا هستند. طبقه‌نماها عموماً خصوصیات پدیده‌های پیرامون انسان‌ها در یک جامعهٔ زبانی را نمایه می‌کنند. وقوع طبقات اسمی مشابه در زبان‌های دارای طبقه‌نما نشان می‌دهد که جوامع زبانی مختلف به نحو مشابهی پدیده‌های درک‌شدهٔ پیرامون‌شان را مقوله‌بندی می‌کنند. هر اسم براساس خصوصیات مشترک در مرجعش^{۱۵} در طبقه‌ها قرار می‌گیرد. این خصوصیات ممکن است جهانی و واضح از دید همهٔ انسان‌ها باشد و یا بسته به هر فرهنگ متفاوت باشد (آلن^{۱۶}، ۱۹۷۷: ۲۹۰).

آلن (۱۹۷۷: ۲۸۵-۳۱۱) با بررسی بیش از پنجاه زبان دارای طبقه‌نما نشان داد که در این زبان‌ها جهانی‌های مطلق وجود دارد و شباهت‌های زیادی بین این زبان‌ها وجود دارد. استفاده از طبقه‌نمای عددی (در زبان‌هایی که دارای این عناصر هستند) در عبارت‌هایی که اشاره به کمیت دارند، اجباری است (همان). طبقه‌نماهای عددی در

13. paradigmatic
14. high integrity
15. referent
16. K. Allen

مجاورت اعداد در گروه اسمی عددی ظاهر می‌شوند (هایشنوالد^{۱۷}، ۲۰۰۰: ۹۸). مثلاً به این کاربرد در زبان تایلندی^{۱۸} توجه کنید (آلن، ۱۹۷۷: ۲۸۶):

- 3) a. khru· lâ·j **khon**
 teacher three person
 'three teachers'
 b. mǎ· sì· **tua**
 dog four body
 'four dogs'

در جمله (۳a) کلمه «khon» طبقه‌نمای عددی است و برای اسم‌های دارای مرجع انسان به کار می‌رود. در جمله (۳b) نیز کلمه «tua» طبقه‌نمای عددی است و در گروه‌های اسمی با اسم دارای مرجع جانداران غیرانسان ظاهر می‌شود. طبقه‌نماهای عددی، تکواژهای نقشی هستند که در برخی زبان‌ها بین اعداد و اسم‌ها در گروه اسمی می‌آیند. در زبان فارسی گروه اسمی «پنج تا پرنده» نمونه‌ای از گروه اسمی حاوی طبقه‌نما به‌شمار می‌رود. طبقه‌نماهای عددی و نشانه‌های صرفی شمار در بسیاری زبان‌ها در توزیع تکمیلی با یکدیگر قرار دارند (گرینبرگ^{۱۹}، ۱۹۶۳). برای مثال، انگلیسی از شمار جمع استفاده می‌کند اما فاقد طبقه‌نماهای عددی برای شمارش اسم است، همچون:

4) One table / two tables

در زبان چینی در ساخت‌هایی از نوع عدد + اسم، وجود طبقه‌نما اجباری است و در انگلیسی، نشانه‌ی تصریفی شمار در گروه‌های اسمی دارای مرجع جمع اجباری است. در برخی زبان‌ها هم از طبقه‌نما و هم از شمار جمع در ساخت گروه اسمی ممکن است استفاده شود. مثال (۵) از فارسی کاربرد هم‌زمان طبقه‌نما و شمار جمع را نشان می‌دهد:

(۵) دو تا از کتاب‌ها را خواندم.

17. A. Y. Aikhenvald

18. Thai

19. J. H. Greenberg

انتخاب طبقه‌نماها بستگی به اسم خاصی دارد که هستهٔ گروه اسمی به‌شمار می‌رود. در بسیاری موارد، اسم‌هایی که با طبقه‌نمای خاصی به کار می‌روند، دارای خصوصیات معنایی مشترکی هستند که معمولاً با اندازه و شکل اسم‌ها مرتبط است، اما استثناهای زیادی نیز در این طبقه‌بندی‌ها دیده می‌شود. طبقه‌نماهای عددی تنها در برخی زبان‌های دنیا همچون ویتنامی، مالایایی^{۲۰} و ژاپنی به کار می‌روند و محدودهٔ معنایی یک اسم قابل شمارش را با توجه به واحد طبیعی آن اسم مشخص می‌کنند. بسیاری از زبان‌شناسان نقش طبقه‌نماهای عددی در زبان‌های دارای آنها را منفردسازی^{۲۱} مفاهیم اسمی برای قابل‌شمارش کردن آنها می‌دانند. در زبان‌هایی که دارای طبقه‌نماهای عددی هستند، هر زمان که یک عدد^{۲۲} یا برخی کمیت‌نماهای^{۲۳} معرفه در گروه اسمی وجود داشته باشد، باید طبقه‌نما نیز در گروه اسمی به کار رود.

۳-۲- دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی

شواهد در زمانی و هم‌زمانی نشان می‌دهد که بیشتر طبقه‌نماهای عددی در زبان‌های دارای طبقه‌نما، دارای منشأ اسمی^{۲۴} هستند و با دستوری‌شدگی اسم به وجود آمده‌اند (رک. لمان، ۲۰۰۰؛ کو^{۲۵}، ۲۰۰۸). برای مثال در کره‌ای بیش از ۱۰۰ طبقه‌نمای عددی وجود دارد که همه از اسم مشتق شده‌اند. لمان (۲۰۰۲: ۳۵) معتقد است که در فارسی ۱۴ طبقه‌نمای عددی وجود دارد که همه آنها از اسمی که معنایش کاملاً مشخص است مشتق شده‌اند و به غیر از دو مورد، همه آنها هنوز می‌توانند به عنوان اسم به کار روند. در فارسی نو اسم‌ها می‌توانند صرفاً با عدد به کار روند همچون «دو ایرانی»؛ همچنین در صورت وجود عدد در گروه اسمی، طبقه‌نمای عددی نیز می‌تواند در گروه مورد نظر به کار رود همچون «دو نفر ایرانی». این اختیار انتخاب الگو در فارسی به باور لمان

20. Malay
21. individuate
22. numeral
23. quantifiers
24. nominal
25. M. C. Koo

(۲۰۰۲: ۵۳) نشان‌دهنده دستوری‌شدگی ضعیف طبقه‌نماهای عددی در این زبان است. طبقه‌نماهای فارسی در ساخت عددی به صورت تکواژ آزاد باقی می‌مانند و جوش‌خوردگی^{۲۶} در مورد آن‌ها رخ نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر، عدد و طبقه‌نما به لحاظ آوایی در هم ادغام نمی‌شوند. از سوی دیگر، چند خصوصیت نشان می‌دهند که طبقه‌نماهای عددی فارسی تا حدی دستوری شده‌اند. نخست اینکه صیغگان آن‌ها کاملاً یکپارچه است و به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شده‌اند، به این صورت که هشت طبقه‌نما برای طبقات مختلف اشیاء بی‌جان و یک طبقه‌نما برای حیوانات بزرگ‌تر و اهلی وجود دارد و دو طبقه‌نما برای حیوانات کوچک‌تر و اشیاء بی‌جان هست که هشت طبقه‌نمای اول را خنثی می‌کنند و دو طبقه‌نما برای انسان‌ها هست و یک طبقه‌نمای عام نیز به کار می‌رود که تمام طبقه‌نماهای دیگر را خنثی می‌کند. دوّم اینکه گرچه معنای اولیه طبقه‌نماها مشخص است، برخی از این معنی‌ها با کاربرد طبقه‌نما منطبق نیست و معنی‌زدایی^{۲۷} در مورد آن‌ها رخ داده است. برای مثال «دست» در معنای اولیه «عضوی از بدن» به عنوان طبقه‌نمای عددی در «یک دست لباس» به کار می‌رود.

لمان با توجه به این دلایل، نتیجه گرفته که نظام دستوری‌شدگی به‌طور ضعیف در مورد طبقه‌نماهای عددی در فارسی رخ داده است (لمان، ۲۰۰۲: ۵۳، برای طبقه‌نماهای فارسی رک. استاجی، ۱۳۸۸: ۹۳-۱۰۸).

نظام طبقه‌نماهای ژاپنی برخلاف فارسی تا حدّ زیادی دستوری شده و یکی از نشانه‌های آن، کاملاً اجباری بودن طبقه‌نماها در گروه‌های اسمی عددی است، به نحوی که شمردن اسم‌ها بدون طبقه‌نما در این زبان غیرممکن است. یکی دیگر از معیارهای دستوری‌شدگی طبقه‌نماها در این زبان نداشتن کاربرد مستقل یا معنای مستقل طبقه‌نماها است. طبقه‌نماهای این نظام دستوری‌شده و به عدد به صورت پیوسته متصل می‌شوند و همگونی^{۲۸} نیز بین عدد و پیوسته برقرار می‌شود (لمان، ۲۰۰۲: ۵۳-۵۴).

26. sandhi

27. desemantization

28. assimilation

در این بخش به معرفی طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آن‌ها پرداختیم. بخش بعد به بررسی دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی اختصاص دارد.

۴- دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاکستانی

در این بخش نخست زبان تاتی به صورت مختصر معرفی شده و سپس روند دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونه‌تاکستانی این زبان بررسی شده است.

۴-۱- زبان تاتی

استیلو (۲۰۰۸: ۳۶۴) زبان تاتی را در کنار زبان تالشی در گروه زبان‌های تاتی - تالشی^{۲۹} قرار داده و این گروه را یکی از گروه‌های زبان‌های ایرانی نو شمال غربی دانسته است. به طور کلی زبان تاتی به دو دسته تاتی شمالی و تاتی جنوبی تقسیم می‌شود. تاتی شمالی در خارج از ایران تکلم می‌گردد و تاتی جنوبی در نواحی مختلفی از ایران از جمله مناطقی در جنوب غربی قزوین شامل تاکستان، چال، اسفرورین، خیارج، دانشفهان، ابراهیم‌آباد و سگزآباد (پارشاطر، ۱۹۶۹: ۱۷-۱۸) رایج است. از آنجا که زبان تاتی جنوبی، گونه‌ها و لهجه‌های متنوعی دارد، از میان گونه‌های مختلف تاتی مورد تکلم در ایران که در بالا ذکر شدند، گونه‌تاکستانی به علت دسترسی به گویشوران آن برای انجام تحقیق میدانی در پژوهش کنونی انتخاب شده است.^{۳۰} تاکستان براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن^{۳۱} سال ۱۳۹۰، ۱۷۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد که ۱۱۱۰۰۰ نفر در شهر تاکستان و ۶۱۰۰۰ نفر در روستاهای آن ساکن هستند. داده‌های تحقیق کنونی به صورت مصاحبه از گویشوران گونه‌تاکستانی زبان تاتی پرسیده و ثبت شده است.

29. Tatic

۳۰- از خانم‌ها الهام رحمانی، سعیده رحمانی، ندا طاهرخانی و ندا مهدوی گویشوران تاتی تاکستانی که در جمع‌آوری داده‌های زبانی این مقاله، نگارندگان را یاری کرده‌اند، سپاس‌گزاریم.

31. www.amar.org.ir

۴-۲- دستوری شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونه تاختانی زبان تاتی

طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاختانی در جایگاه بعد از عدد و قبل از اسم هسته برای طبقه‌بندی مفاهیم اسمی در گروه‌های اسمی شمارش‌پذیر به کار می‌روند. گرچه کاربرد آن‌ها در این زبان اجباری نیست، در صورت وجود عدد در گروه اسمی، کاربرد طبقه‌نما نیز در همه گروه‌های اسمی عددی مشاهده می‌شود. ترتیب سازه‌ها در گروه اسمی عددی در تاتی تاختانی به صورت عدد + طبقه‌نمای عددی + اسم است و در صورت وجود صفت اشاره در گروه اسمی، این کلمه در ابتدای گروه اسمی قرار می‌گیرد. برای مثال:

6) a. sönne mägāve kārā mände.
3- CL^{۳۲} cow continuous come

«سه رأس گاو دارند می آیند.»

b. ā inn görbiye čimiš Ganāri boxārdi
that 1-CL cat my canary ate

«آن یک گربه قناری من را خورده.»

طبقه‌نماهای عددی تاختانی را می‌توان براساس معیارهای معنایی همچون جاننداری، شکل، اندازه، ساختار و ماده تشکیل‌دهنده به چند گروه تقسیم کرد اما در این گونه زبانی، یک طبقه‌نمای عام بر سایر طبقه‌نماها ترجیح دارد و به عنوان جایگزین سایر طبقه‌نماها نیز به کار می‌رود. طبقه‌نماهای اصلی جدول شماره (۱) در تاتی تاختانی با اسم‌های شمارش‌پذیر به کار می‌روند:

جدول شماره ۱. طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاختانی

طبقه‌نما	موارد کاربرد	مثال
nafar	انسان	dō nafar ādam دو نفر آدم
halGe	چاه	dō halGe čā دو حلقه چاه
done ^{۳۳}	طبقه‌نمای عام	dō dōne uz دو دانه گردو nō dōne sāt نه عدد ساعت i dene asife یک عدد سیب

۳۲-۲۹ کلمه طبقه‌نما به صورت CL در آوانگاری‌ها مشخص شده است.

۳۳- واکه اول کلمه dōne بسته به واکه عدد قبل از خود به صورت o یا ö ، i ، e تلفظ می‌شود.

تات‌زبانان گونهٔ تاکستانی در گفتار روزمره در بیشتر موارد از طبقه‌نمای عددی عام «ne» که صورت کوتاه‌شدهٔ «done» است، در گروه‌های اسمی شمارپذیر استفاده می‌کنند اما هر دو صورت اصلی و کوتاه‌شده از دید گویشوران قابل قبول هستند:

«یک گربه» inne görbiye یا i dene görbiye 7)

البته صورت کوتاه‌شده خود نشان‌دهندهٔ سایش آوایی این جزء و دستوری‌شدگی آن می‌باشد. جدول (۲) مثال‌هایی از طبقه‌نمای عام «ne» را در تاتی تاکستانی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲. کاربرد طبقه‌نمای عام «ne»

dönne ādam	دو تا آدم
payne parande	پنج تا پرنده
payne deraxt	پنج اصله درخت
dönne otāG	دو تا اتاق
dönne čā-m bekand.	دو تا چاه کندم.
dönne māgāve	دو تا گاو

صورت کوتاه شدهٔ این طبقه‌نما بیشتر با اعداد تک‌هجایی به‌کار می‌رود و با اعداد چندهجایی به‌صورت کامل به‌کار می‌رود. برای مثال:

inne, dönne, sönne, čārne, payne, šišne, hafne, hašne, nönne, dane, yāzda done, davāzda done,...

فرایند دستوری‌شدگی اسم‌ها به طبقه‌نما در ساخت‌های دارای طبقه‌نمای عددی در زبان‌های مختلف ممکن است مسیرهای متفاوتی را طی کند. نظام‌های طبقه‌نمای عددی به‌لحاظ میزان دستوری‌شدگی شان متفاوت هستند و برخی از آن‌ها یک طبقهٔ واژگانی باز را تشکیل می‌دهند (هایشنوالد، ۲۰۰۰: ۹۱). بررسی معیارهای رده‌شناختی دستوری‌شدگی در مورد طبقه‌نمای عام «done» حاکی از آن است که این کلمه در تاتی

تاکستانی دستوری شده است. در ادامه دلایلی برای دستوری‌شدگی کلمه «done» آورده شده است:

۱- معنی اولیه کلمه «done» کاملاً مشخص است. کاربرد اولیه کلمه «done» در نقش اسمی در گروه کلمات واژگانی به معنای «دانه» است و بیشتر در مورد حبوبات و غلات و به خصوص گندم به کار می‌رود. این کلمه در تاتی کنونی نیز کاربرد اسمی خود را حفظ کرده. برای مثال:

جدول شماره ۳. کاربرد اولیه کلمه «done»

gandeme done	دانه گندم
berenje done	دانه برنج
yo done	دانه جو
anāre done	دانه انار
tasbö done	دانه تسبیح

مثال‌های (۸) نمونه‌هایی از جملاتی است که در آن‌ها کلمه «done» در معنای واژگانی‌اش به کار رفته:

8) a. don-em bekkerd.
seed-i planted

«من دانه کاشتم.»

b. done ādi čeme.
seed give me

«دانه را به من بده.»

c. karkon rā don-em āpati
hens for seed-I scattered

«برای مرغ‌ها دانه پاشیده‌ام.»

کلمه «done» یک نقش جدید دستوری نیز به‌عنوان طبقه‌نمای عددی به‌دست آورده است. به عبارت دیگر، در این گونه زبانی یک صورت «done» داریم که در دو نقش

(یک نقش قاموسی و یک نقش دستوری به‌عنوان طبقه‌نما) به‌کاررفته‌است. چنین وضعیتی را واگرایی^{۳۴} می‌نامند که از نشانه‌ها و اصول مهم دستوری‌شدگی به‌شمار می‌رود (هاپر و تراگو، ۲۰۰۳: ۱۱۸، برای توضیح بیشتر در مورد اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی رک. نغزگوی کهن، ۱۳۸۹ الف). کلمهٔ «done» در نقش طبقه‌نما معنای واژگانی خود را از دست داده و دچار معنی‌زدایی شده‌است. معنی‌زدایی نیز از جمله نشانه‌های مهم دستوری‌شدگی به‌شمار می‌رود.

با توجه به این ملاحظات، کلمهٔ مورد نظر بعد از به‌دست آوردن معنای دستوری در بافت‌های خاص، هم‌زمان در بافت اولیه در معنای اولیه نیز به‌کار می‌رود. در این فرایند می‌توانیم تبدیل جزء واژگانی آزاد را به کلمهٔ نقشی مشاهده کنیم که در نمودار دستوری‌شدگی نشان داده شده‌است.

نمودار دستوری‌شدگی طبقه‌نمای «done»:

جزء واژگانی آزاد < کلمهٔ نقشی

۲- کاربرد این طبقه‌نما از اسم اشیاء به همهٔ اسم‌ها تعمیم یافته و این کلمه اکنون برای تمام اسم‌ها از انسان تا جانداران و بی‌جان‌ها به‌کار می‌رود؛ بنابراین تهی‌شدن از معنا در مورد آن رخ داده‌است. تهی‌شدن از معنا از سازوکارهای دستوری‌شدگی محسوب می‌شود که براساس آن، عناصر در روند دستوری‌شدگی‌شان معنای بسیار کلی کسب می‌کنند. تهی‌شدن از معنا معمولاً در گذر از مرحلهٔ اول در طیف دستوری‌شدگی (تبدیل جزء واژگانی آزاد به کلمهٔ نقشی) رخ می‌دهد (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹ الف: ۱۵۹). روند معنی‌زدایی در مورد طبقه‌نماهای عددی در برخی زبان‌ها همچون کره‌ای نیز رخ داده و بسته به میزان دستوری‌شدگی برای طبقه‌نماهای هر زبان متفاوت است (کو، ۲۰۰۸: ۶۴). این روند ناظر بر از دست‌رفتن معنای واژگانی است (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۵۹) و نشان‌دهندهٔ از دست‌رفتن وزن جانشینی یعنی یکپارچگی^{۳۵} این کلمات است (لمان، ۱۹۹۵).

34. divergence

35. integrity

از سوی دیگر، انشقاق^{۳۶} برای این کلمه رخ داده که براساس آن، بعد از دستوری‌شدگی جزء واژگانی و تبدیل آن به یک طبقه‌نمای عددی، جزء واژگانی اولیه نیز به حیات خود در این زبان به‌عنوان یک کلمه تمام‌عیار درست مانند کلمه‌های دیگر ادامه داده‌است. انشقاق از جمله ملاک‌های دستوری‌شدگی به‌شمار می‌رود و از اصول حاکم بر دستوری‌شدگی است و در شناسایی موارد دستوری‌شده راه‌گشا است (هاپر و تراگو، ۲۰۰۳: ۱۱۸؛ نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

از آنجا که تنها یک طبقه‌نمای عام در این گویش به‌کار می‌رود، می‌توان گفت از یک طبقه‌واژگانی باز تنها یک طبقه‌نما به صورت صیغگان بسیار کوچکی تکامل یافته‌است. مثال‌هایی از کاربرد عام طبقه‌نمای «ne» در تاتی تاکستانی در جدول شماره (۴) آورده شده‌است. این مثال‌ها نیز نشان می‌دهند که طبقه‌نمای عددی «ne» با اسم‌های دارای مرجع انسان و جاندار و بی‌جان به‌کار می‌رود.

جدول شماره ۴. کاربرد طبقه‌نمای عام «ne» با تمام اسم‌ها

فارسی	تاتی
یک نفر آدم	inne ādam
دو تا میز	dönne miz
دو تا گردو	dönne uz
سه تا گوسفند	sönne čarvā
نه تا ساعت	nönne sāt

۳- طبقه‌نمای «done» در مرحله‌بعدی دستوری‌شدگی به طبقه‌نمای عام برای تمام اسم‌ها تبدیل شده و در اثر کاربرد زیاد طبقه‌نما دچار سایش آوایی شده و به «ne» کاهش یافته‌است که این خود نشان‌دهنده میزان بالای دستوری‌شدگی این کلمه‌است. سایش آوایی نتیجه رعایت اقتصاد توسط سخنگویان در گفتار است. آن گروه از عناصر

زبانی که دستوری شده‌اند، بیشتر تحت تأثیر سایش آوایی قرار می‌گیرند. این عناصر به‌علت معنای نسبتاً انتزاعی‌شان، ارزش اطلاعاتی کمتری نسبت به کلمات قاموسی دارند. هنگامی که یک صورت واژگانی به دو کاربرد انشقاق می‌یابد، واحد واژگانی صورت کامل زبانی خود را حفظ می‌کند اما جزء نقش‌مند شده تحت تأثیر تخفیف آوایی قرار می‌گیرد. این کاهش یا تخفیف آوایی نیز یکی از سازوکارهای دستوری‌شدگی محسوب می‌شود (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۶۰). سایش آوایی و تخفیف آوایی کلمهٔ «done» به‌صورت «ne» تنها برای نقش طبقه‌نمای آن رخ می‌دهد و از دید تات‌زبانان در نقش اسمی چنین سایشی به هیچ‌وجه مجاز نیست. همچنین این کلمه در نقش طبقه‌نمای عددی در تاتی گفتاری امروز به عدد متصل می‌شود و تات‌زبانان این دو کلمه را در گفتار یا نوشتار به‌صورت یک واحد زبانی تلقی می‌کنند. این طبقه‌نمای کوتاه‌شده، کاربرد مستقل خود را در این گویش از دست داده و به انتهای عدد متصل می‌شود و همگونی آوایی نیز در مورد آن رخ می‌دهد که از نشانه‌های دستوری‌شدگی قوی به‌شمار می‌رود. بر این اساس، طبقه‌نمای مخفف‌شده «ne» در گفتار به عدد قبل از خود متصل می‌شود و به یک واژه‌بست تبدیل شده است. این واژه‌بست از نوع پی‌بستی^{۳۷} است و واژه‌بست ساده محسوب می‌شود زیرا هم به شکل آوایی «done» کامل و هم به شکل کوتاه‌شدهٔ «ne» به‌کار می‌رود (برای ویژگی‌های واژه‌بست‌ها رک. شقاقی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶). پیش‌رفتن طبقه‌نمای «ne» در نمودار دستوری‌شدگی در نمودار زیر نشان داده شده است:

جزء واژگانی آزاد < کلمهٔ نقشی > واژه‌بست

مثال‌های (a-9) و (b) کاربرد طبقه‌نمای «ne» به‌صورت واژه‌بست را نشان می‌دهند و همان‌طور که مثال (c-9) نشان می‌دهد، کلمهٔ «done» در نقش اسم به معنی «بذر» نمی‌تواند به‌صورت مخفف‌شده یا واژه‌بستی به‌کار رود و تلفظ آن به‌صورت مخفف‌شده سبب غیردستوری‌شدن جمله می‌شود:

9) a. sönne mammon čomārā bome.

- 3- CL guest us came
 «سه تا مهمان آمد برای ما.»
- b. arö dönne berāyon-em mišinde čul.
 today 2-CL brothers-my go trip
 «دو برادرم امروز می‌روند به باغ.»
- c. * ne ādi čeme.
 seed give me
 «دانه را بده به من.»

۴- کلمه «done» در کاربرد اسمی می‌تواند به صورت جمع به کار رود، اما در نقش طبقه‌نما نمی‌تواند به صورت جمع به کار رود. عدم استفاده از نشانه جمع با طبقه‌نماهای عددی نشانه مقوله‌زدایی^{۳۸} آن‌هاست که از دیگر ویژگی‌های دستوری شدگی به‌شمار می‌رود. مثال‌های (۱۰) کاربرد صورت جمع کلمه «done» در نقش اسمی را نشان می‌دهند:

- 10) a. az don-on-em bekerd.
 I seed-Pl-Clt planted
 «من دانه‌ها را کاشتم.»
- b. don-on ādi čeme.
 seed-Pl give me
 «دانه‌ها را بده به من.»
- c. berenje don-on beshke
 rice seed-Pl see
 «دانه‌های برنج را ببین.»
- d. anāre don-on če sörx ende.
 pomegranate seed-Pl how red are
 «دانه‌های انار چه سرخند!»

مثال‌های (۱۱) کاربرد مفرد کلمه «me» در نقش طبقه‌نما در تاتی تاکستانی را نشان می‌دهند:

11) a. az sönne mardak mivinem.
I 3-CL man see

«من سه مرد می‌بینم.»

b. mogom dönne miz agerem.
want 2-CL table buy

«می‌خواهم دو میز بخرم.»

c. jā dönne öštöre mogo agerem.
that 2-CL camel want buy

«آن دو تا شتر را می‌خواهم بخرم.»

d. dönne berārāzon-em arö mände čomā kiye.
2-CL brother's children-my today come our house

«دو بچه برادرم امروز به خانه ما می‌آیند.»

بنابراین کلمه «done» یا مخفف آن «ne» هرگز در نقش طبقه‌نما به صورت جمع به کار نمی‌رود.

کاربرد طبقه‌نمای عام «ne» در تاتی تاکستانی در تمام موارد وجود عدد در گروه اسمی مشاهده می‌شود و بر این اساس می‌توان آن را اجباری دانست که نشان‌دهنده میزان بالای دستوری‌شدگی این طبقه‌نمای عام در تاتی تاکستانی است (لمان، ۲۰۰۲: ۵۳). از سوی دیگر، تثبیت^{۳۹} جایگاه کاربرد این طبقه‌نما نیز از نشانه‌های دستوری‌شدگی قوی آن محسوب می‌شود. کاهش امکان تغییر جایگاه کلمه‌ها به لحاظ هم‌نشینی منجر به تثبیت یک جایگاه خاص برای نقش طبقه‌نمای عددی در تاتی شده و این کلمه تنها بعد از عدد در گروه اسمی می‌تواند به کار رود.

۵- نتیجه‌گیری

ساخته‌شدن طبقه‌نماهای عددی در گونه تاتی تاکستانی نمونه‌ای از دستوری‌شدگی در این گویش است. بررسی طبقه‌نماهای عددی در این گویش نشان می‌دهد که این کلمه‌ها حاصل دستوری‌شدگی یک اسم به طبقه‌نما هستند. این عناصر زبانی، خصوصیات

کلمه‌های قاموسی را از دست داده‌اند و در نتیجه دستوری‌شدگی، خصوصیات کلمه‌های نقشی را کسب کرده‌اند. طبقه‌نمای عددی عام «done» در گونه تاکستانی زبان تاتی جایگزین سایر طبقه‌نماهای عددی در این گویش شده و در اثر کاربرد زیاد به صورت «ne» کاهش آوایی یافته است. براساس معیارهای مطرح‌شده در این مقاله می‌توان گفت که دستوری‌شدگی تا حد زیادی در مورد طبقه‌نمای عددی عام «ne» در گونه تاتی تاکستانی رخ داده است.

منابع

- استاجی، اعظم (۱۳۸۸). بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال ۱، شماره ۱، ۹۳-۱۰۸.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸). *گفتارهایی در نحو*. تهران: نشر مرکز.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۹). *زبان تات*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- (۱۳۹۱). *فرهنگ تاتی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- شقایق، ویدا (۱۳۷۶). واژه‌بست چیست؟. در: *مجموعه مقالات سومین همایش زبان‌شناسی*، به کوشش محمد دبیرمقدم و یحیی مدرسی (صص ۱۴۱-۱۵۷). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۷). بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید. *دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*، پیاپی ۴، ۳-۲۴.
- (۱۳۸۹ الف). چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی. *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۴۹-۱۶۵.
- (۱۳۸۹ ب). از واژه‌بست تا ندرِ تصریفی، بررسی تحوّل تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی جدید. *دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*، ۶، صص ۷۷-۹۹.
- Aikhenvald, A. Y. (2000). *Classifiers: A Typology of Noun Categorization Devices*. Oxford: Oxford University Press.
- Allen, Keith. (1977). Classifiers. *Language*, 53(2), 285-311.
- Greenberg, J. H. (1963). Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements. In: J. H. Greenberg

- (Ed.), *Universals of Language* (pp. 73-114). Massachusetts: The MIT Press.
- Hopper P. J. & E. C. Traugott (2003). *Grammaticalization*, 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Koo, M. C. (2008). Grammaticalization of Korean Numeral Classifiers. In: E. Verhoeven, S. Skopeteas, Y. M. Shin, Y. Nishina, and J. Helmbrecht (Eds.), *Studies on Grammaticalization* (pp. 59-76). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Lehmann, C. (2000). On the German Numeral Classifier System. In: C. Schaner-Wolles, J. R. Rennison, and F. Neubarth (Eds.), *Naturally! Linguistic Studies in Honour of Wolfgang Ulrich Dressler Presented on the Occasion of his 60th Birthday* (pp. 249-253). Torino: Rosenberg & Sellier.
- (2002). Thoughts on Grammaticalization. Unterschleissheim: Lincom Europa.
- Wischer, I. (2006). Grammaticalization. In: Keith Brown (Ed.), *Encyclopedia of language and linguistics*, 2nd edition. Elsevier.
- Yar-Shater, Ehsan (1960). The Tati Dialect of Kajal. *BSOAS*, 23, 275-286.
- (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Paris, The Hague: Mouton.

